**( 145 )**

**بمبئ - جناب بهمرد بهرام و کنیز درگاه الهی ضجیع بهمرد دوست جمشید جناب رستم بهمرد و روح الله و روح انگیز علیهم بهاء الله الابهی**

**هو الله**

ای یاران و یاوران عبدالبها فرصت ندارم مهلت نیابم مشاغل و غوائل بی پایان و رسائل مانند باران و از این گذشته جناب شیخ فرج الله الآن مانند حسین کرد با گرز و توپز حاضر و ترجمه آثار و تصحیح آن آرزو میفرماید من در چنین حالتی بذکر شماها مشغولم و بنگارش این نامه پرداختم تا بدانید که چه قدر عزیزید باری اگر فرصت داشتم هر یک را نامه مخصوص مینگاشتم ولی مهلت ندارم بهمین کفایت فرمائید

ای پروردگار خورشید بهمرد پری بگشود و بایوان تو پرواز نمود از دیوان بگریخت تا در پناه تو امان یابد ای ایزد پاک نظر بقصور مفرما تو رب غفوری بعدل معامله مفرما تو رب فضل موفوری عصیان هر چند بی پایانست عفو و غفران اعظم از آن توئی رحیم و بخشنده و مهربان

حیفا ٢٨ ربیع الثانی ١٣٣٨

(عبدالبهاء عباس)